



الحاق ملّحین

محمد علی النجانی

طنزپرداز

● ۲۹ آبان

روزی مثل امروز در سال ۱۳۳۴ از نوع هجری شمسی، ایران بعد از گفتن این (۲) بار) وارد سازمان سنتو شد، البته برخی از مورخین معتقدند یا شاید هم اعتقاد دارند که ایران به این سازمان الحاق پیدا کرد، هر چند نظرشان برای خودشان محترم است. حال آنکه سنتو چیست یا کیست یا اینکه اصلاً خوردنی است، اندکی صبر داشته باشید. نگارنده در این کره خاکی و در این دوران بی‌آبی و این اوضاع بی‌هوایی مترصد است که این مطلب را با ذکر مثال و رسم شکل برای شما بیان کند.

قضیه این جور آغاز شد. بعد از پایان جنگ جهانی دوم و فروکش کردن دوران ماه عسل و خوش خوشان دولت‌های پیروز، کدورت‌ها بار دیگر سر باز کرد و دُول از سرمخاضه درآمدند و با گفتن «می‌خوام سر به تنش نباشه ایکبیری رو» یکدیگر را سه طلاق کردند و جنگ سرد شروع شد. در همان روزها بود که شوروی و آمریکا عین چی (هنوز برای مورخین این سوال لاینحل باقی مانده است که چی) به دنبال گسترش مناطق

تحت سیطره خود بودند. هیچ‌کدام

هم در مقابل دیگری قصد کوتاه

آمدن نداشت و این مسأله را

افت و خیط می‌دانستند.

برای همین مرتب به

کشورهای تحت نفوذ دیگری

ناخنک (همان سیخونک؛

ولی یواش‌تر) می‌زدند. این

قضیه تاحدی پیش رفت که

برخی از کشورها هر روز صبح، ابتدا به

روزنامه‌های کثیرالانتشار مراجعه می‌کردند تا

ببینند باید به عمو سام صبح به خیر بگویند یا اینکه سبیل‌های دایی استالین را چرب کنند. از همین روی بود که آمریکا با گفتن: «این وضعیت زشته، کثیفه، مستهجنه» تقابل‌های خود را به شکلی دیگر شروع و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا همان ناتو را در سال ۱۹۴۹ تأسیس کرد.

قضیه این جورکی و در وضعیت مو، یعنی همان اول تو ول بنما تا سپس من ول بنمایم ادامه داشت که بار دیگر به آمریکا خبر رسید که «چه نشسته‌ای که شوروی به صورت کاملاً سوسکی داره مناطق شرق آسیا رو می‌گیره.» برای همین بار دیگر آمریکا یک تکانی به خود داد و برای جلوگیری از پیشرفت کمونیست، سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی به اختصار سیتورا در سال ۱۹۵۴ پایه‌گذاری و به شوروی‌ها اعلام کرد حالا سی‌یو. اما از آنجایی که آمریکایی‌ها دچار مرض کمون فوبیا یا همان عین چی از کمونیست شدن ترسیدن (مورخین اینجا اعلام کرده‌اند عین سگ)، بودند، همه‌اش خیال می‌کردند که شوروی کل دنیا را گرفت و برد و خورد، غافل از آنکه آنها در کشور خودشان هم چیزی برای خوردن پیدا نمی‌کنند.

قضیه این جورکی ترادامه داشت که آمریکا این بار برای تخت شدن خیال خود، در سال ۱۹۵۵ در منطقه غرب آسیا اقدام به تأسیس سازمان پیمان مرکزی یا همان سنتو (CENTO) کرد. این سازمان ابتدا با حضور کشورهای ایران، عراق، پاکستان، ترکیه و انگلستان (از آنجایی که امکان دارد سوال پیش بیاید که مگر انگلستان جزو کشورهای منطقه است که باید بگویم بله. البته خودش که نه؛ ولی کلی از کشورهای تحت قیومیتش، بله.) در بغداد شروع به کار کرد؛ ولی فقط چهار سال بعد و در پی کودتای عبدالکریم قاسم و سرنگونی نظام سلطنتی عراق، آنها اعلام کردند «خبه... خبه... دیگه برید دم در خونه خودتون بازی کنید» و بدین شکل از بازی خارج شد و مقر سنتو به آنکارا انتقال یافت.

قضیه به همین شکل ادامه داشت تا در نهایت و با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران نیز از سنتو خارج شد و پاکستان هم با نگاه از روی دست ایران سازمان را ترک کرد و تنها ترکیه ماند و حوضش. این شد که سنتو بالکل منحل شد.

آقای که شما باشی...

به مناسبت ۲۸ آبان ماه روز جهانی آقایان

زهرا کاظم زاده

طنزپرداز



صفا دهید و بلند بگویید: خانم گلم چقدر تو خونه زحمت می‌کشه! حواس تان باشد یک موقع نکوبید ظرف‌ها «بت» را شستم که نه تنها درجات آقایی که قبلاً کسب کرده‌اید تنزل داده می‌شود بلکه رخ داد جنگ جهانی سوم در منزل شما نیز قابل پیش بینی است.

● بعید است در خانه‌هایی که در آن مردان - خصوصاً ایرانی - در حال زندگی مسالمت آمیز با همسر و فرزندان خود هستند، گلوله‌های رنگین در گوشه و کنار خانه تحت عنوان جوراب، زیرشلواری و... یافت نشود! به خاطر داشته باشید شما حلزون نیستید که نیازی باشد از خود رد به جا بگذارید! این کار شما نه تنها شما را «آقا» نمی‌کند بلکه اطمینان داشته باشید همسران هر لحظه‌ای که چشمش به رد شما می‌افتد با خود می‌گوید: اه، از بچه‌ها بدتر است. خلاصه از ما گفتن بود، مراقب باشید با کارهایتان از سطح «آقای» به سطح «بچه‌ننه» سقوط نکنید.

● خانم‌ها کلا موجودات حساسی هستند اما روی غذایی که زحمت پخت آن را می‌کشند حساس ترند. تعریف را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهید و هیچ‌گاه ایراد نگیرید. حتی اگر روزی خطایی کردید و همسر گل تان، زهرمار یا مرگ‌موش برای شما سرو کرد، کماکان از زحمات شبانه‌روزی او جهت گرم نگه‌داشتن کانون خانواده تشکر کنید و با میل و اشتیاق جام زهر را سر بکشید. اگر شانس داشته باشید و تعریف تان اثرگذار باشد اجازه نوشیدن زهر را نمی‌دهد وگرنه... چرا اینطوری نگاه می‌کنید؟ نگفتیم آقایی خرج و هزینه دارد؟

مرد بودن هزینه دارد و مرد آقا بودن هزینه‌ی بیش‌تر. کلا آقایی کلاس کارش فرق می‌کند. این که چه کسی و کدام «آقا» اولین بار به ذهنش رسید که یک روز را به نام آقایان ثبت جهانی کند را نمی‌دانیم اما این طور حدس می‌زنیم که آن روز اولین روزی بوده که آن «آقا» توانسته توجه خانمش را به خود جلب کند و برای اولین بار آقا خطاب و مفتخر به دریافت لقب «آقا» شود. مرد بودن هنر نیست بلکه مرد آقا بودن هنر است! اگر شما خود را جزو آن دسته افرادی می‌دانید که در ضمن تلاش فراوان هنوز موفق به کسب نشان آقایی از سوی همسر خود نشده‌اند موارد زیر را موبه‌مو جدی بگیرید!

● معمولاً تا شعاع پنج متری تلویزیون، محدوده قلمرو مرد خانه محسوب می‌شود و اغلب با در دست داشتن کنترل تلویزیون در آن منطقه فرمانروایی می‌کند و موجبات تأملات خاطر خانم خانه را فراهم کرده و در کسب «نشان آقایی» خود وقفه می‌اندازد. در این مواقع باید از خود رندی نشان داده و بگویید: آخ خانم! نمی‌دانی چقدر دلم می‌خواهد با شما این برنامه را ببینیم. یا زمانی که هیچ برنامه‌ای دلخواه شما نیست، بگویید: امروز کنترل تلویزیون در اختیار شماست بانوی بزرگ. البته مطمئن نیستیم روی همسر شما چقدر جواب می‌دهد اما امتحانش ضرر ندارد.

● ظرف‌های خانه، موجودات فضایی نیستند که خودشان توی سینک ظرف‌شویی رفته، شسته شوند و سپس در آب‌چکان قرار بگیرند. گه‌گاهی نزد سینک ظرف‌شویی بروید و ظرف‌ها را با اسکاچ و مایع

رفع آلودگی هوا، تخصص ماست

علیرضا عبیدی

طنزپرداز



طبق جدیدترین یافته‌ها و نیافته‌ها، بهترین راهکارهای کنترل آلودگی هوا را با هم مرور می‌کنیم:

یک. حذف برج میلاد در تهران و یا برج‌های بلند در شهرهای دیگر: شاخص آلودگی چشمی و فطری هر انسانی، دیدن بلندترین برج شهر است. یعنی طرف تا از خواب بیدار می‌شود، از پنجره دنبال برج است. اگر دیده نشود، همه جا را پر می‌کند که امروز هوا آلوده است. با انتقال این برج‌ها به روستاها، می‌توانیم کاهش چشمگیری در آلودگی هوا داشته باشیم و نیز صنعت گردشگری را توسعه ببخشیم.

دو. حذف حمل‌ونقل عمومی: اگر میزان تولید دود آگروز خودروهای وسایل حمل‌ونقل عمومی را با چشم غیرمسلح (چشم مسلح نمی‌خواهد) ارزیابی کنید، ملاحظه می‌کنید این دود، حاصل کار هفتصدتا پراید از رده خارج است که درون موتورشان جای روغن موتور، قیر است.

سه. داوری درست در فوتبال: با مبارزه علیه

ناداوری در فوتبال، تماشاگران دیگر از حمل آگروز و آتش زدن صندلی‌ها در استادیوم خودداری می‌کنند. این گونه هوا پاک می‌ماند.

چهار. تعطیل کردن چندین مرکز غیرمهم: برخی ادارات غیرمهم، عامل اصلی آلودگی هوا هستند؛ مثلاً مرکز آمار. این مرکز اگر تعطیل شود، دیگر مرکزی نیست که آمار شاخص آلودگی را به مخاطبان برساند. به مردم هم می‌گوییم این دود واقعی نیست، مه است.

پنج. حذف کوه از برنامه‌ی هفتگی: کله‌ی سحر به‌ویژه جمعه صبح‌ها بلند نشوید بروید کوه. کوهنوردی همانا و افزایش میل به کشیدن قلیان همانا. تازه اگر خوابیده باشید، دیگر ماشین روشن نمی‌کنید خودتان را برسانید کوه و کلی آلودگی تولید نمی‌کنید.

شش. مدیریت الگوی مصرف: برای کمک به افزایش تعداد روزهای پاک، از خوردن لوبیا و نخود و فلافل و دیگر غذاهای نفاخ اکیداً خودداری کنید. این مورد، بیش از این توضیح نمی‌خواهد.